



فصلنامه علمی برنامه‌ریزی منطقه‌ای

سال ۱۰، شماره پیاپی ۴۰، زمستان ۱۳۹۹

شاپای چاپی: ۶۷۳۵-۲۲۵۱ - شاپای الکترونیکی: ۷۰۵۱-۲۴۲۳

<http://jzpm.miau.ac.ir>

مقاله پژوهشی

ارزیابی زیست‌پذیری در نواحی روستایی پیراشهری (مطالعه موردی: بخش مرکزی شهرستان شیراز)

محمدامین خراسانی: استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
سعیدرضا اکبریان رونیزی: دانشیار بخش جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

دریافت: ۱۳۹۸/۲/۲۹ صص ۱۴۶-۱۳۳ پذیرش: ۱۳۹۸/۸/۱۰

چکیده

شناخت و تحلیل زیست‌پذیری در زمره مفاهیم جدید حوزه برنامه‌ریزی روستایی درجه‌های جدیدی را به ادراک شرایط زیست‌رضایتمندانه در فضای جغرافیایی گشوده است. بررسی زیست‌پذیری روستاهای پیرامون شهری از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در تحقیقات جغرافیایی برخوردار است، به طوری که هم برنامه‌ریزان شهری و هم متولیان و محققان برنامه‌ریزی توسعه روستایی باید از طریق تشریح مساعی در شناخت و تبیین مسائل این روستاها، درجه‌ای به سوی توسعه متوازن و پایدار منطقه‌ای بگشایند. هدف تحقیق حاضر، بررسی و تحلیل وضعیت زیست‌پذیری روستاهای پیراشهری شیراز است. روش پژوهش، توصیفی تحلیلی بوده و داده‌ها به دو روش اسنادی و میدانی جمع‌آوری شده است. محدوده مطالعاتی پژوهش حاضر ۱۳ روستای پیراشهری واقع در بخش مرکزی شهرستان شیراز می‌باشد. از مجموع جمعیت روستایی ساکن در روستاها، تعداد ۲۹۵ سرپرست خانوار به عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. با توجه به موقعیت جغرافیایی متنوع در ناحیه مورد مطالعه، موقعیت طبیعی روستاها هم در تحلیل‌ها مورد توجه قرار گرفت. نتایج بدست آمده نشان می‌دهد که وضعیت زیست‌پذیری در روستاهای پیراشهری مورد مطالعه با مقدار میانگین برابر ۱۸۵/۲۶ بالاتر از حد متوسط (برابر ۱۷۷) قرار گرفته است. همچنین نتایج نشان داد که سطح زیست‌پذیری در عمده شاخص‌ها متفاوت است. از دیگر نتایج پژوهش، وجود تفاوت معنادار در وضعیت زیست‌پذیری روستاها بر اساس موقعیت طبیعی آنها بود و مشخص گردید روستاهای دشتی در مقایسه با دیگر روستاها از وضعیت زیست‌پذیری مناسب‌تری برخوردارند. موقعیت طبیعی روستاها می‌تواند با توجه به شرایط متفاوت دسترسی به امکانات و تسهیلات خدماتی و شغلی در شهر، زیست‌پذیری متفاوتی در روستاها ایجاد نماید.

واژه‌های کلیدی: زیست‌پذیری، روستاهای پیراشهری، بخش مرکزی شهرستان شیراز.

مقدمه:

به دلیل آگاهی از خطراتی مثل رشد سریع جمعیت، ازدحام و شلوغی، از بین رفتن زمین های کشاورزی و فضاهای باز، کمبود مسکن مناسب، افزایش نابرابری های اجتماعی و از بین رفتن حس تعلق به مکان، هویت مکانی و زندگی اجتماعی که کیفیت زندگی جوامع را تهدید می کنند، مفهوم زیست پذیری به وجود آمده و رشد کرده است (Wheeler, 2001). بنابراین همزمان هم از طرف مردم محلی و هم از جانب برنامه ریزان برای ایجاد فضاهای زندگی پایدارتر، کاربردی تر و لذت بخش تر مورد حمایت قرار گرفته است. زیرا محلات زیست پذیر، حس بیشتری از تعلق به جامعه و مکان را القاء می کنند و میزان مهاجرت از آنها نیز کم است. از این رو برنامه ریزان در تمام سطوح به طور فزاینده ای به زیست پذیری به عنوان استراتژی تجدید حیات محله، توسعه مجدد، تامین مسکن قابل قبول، حفاظت از محیط زیست، بهبود امنیت و کاهش نرخ جرم و جنایت علاقمندند (Larice, 2005: 91-92). واژه زیست پذیری، برای اولین بار در سال ۱۹۷۰ توسط اداره ملی هنر آمریکا و به منظور دستیابی به ایده های برنامه ریزی شهری مدنظر آنان مطرح شد و بعدها توسط مراکز و سازمان های تحقیقاتی دیگر به کار گرفته شد که امروزه با گسترش مشکلات جوامع انسانی و افت کیفیت و شاخص های زندگی ساکنان مکان های مختلف بسیار قوت گرفته است (Ibid:93).

در فرآیند برنامه ریزی و ارتقاء زیست پذیری هر یک از سکونتگاههای انسانی، موقعیت مکانی آنها از موضوعات مهم به شمار می آید که باید بدان توجه اساسی شود. روستاهای پیرامون شهری در زمره سکونتگاه هایی قرار دارند که به واسطه موقعیت استقرار، تفاوت های زیادی را با سایر روستاها تجربه می کنند و از سوی دیگر درگیر مشکلات و مسائل متنوعی هستند که به واسطه قرار گیری در محدوده جاپای اکولوژیکی و اقتصادی اجتماعی شهر شکل گرفته اند. این روستاها از جنبه تحولات جمعیتی نواحی در حال شهری شدن، پذیرای دو جریان از سوی مهاجران هستند که تغییرات گسترده ای را در ثروت و موقعیت اجتماعی ایجاد می کنند: گروه اول فقرای شهری که در جستجوی شیوه زندگی روستایی تر و یا مسکن ارزان قیمت تر هستند و گروه دوم فقرای روستایی که در جستجوی کار و نیز فرصت های بهتر برای فرزندان شان هستند (Mc Gregor et al, 2005:18-19). علی رغم تغییرات سریع و ناهمگون ترکیب اجتماعی آنها، غالباً این نواحی دربرگیرنده مسکن گروه های کم درآمد - از گروه های شاغل در مشاغل شهری که در مسکن غیررسمی پیرامون شهرها زندگی می کنند تا کشاورزان خرده مالک و حاشیه ای که به وسیله فرایندهای پویای کاربری زمین و تغییرات بازار زمین تحت تاثیر قرار گرفته اند - می شود. فقرای ساکن در این نواحی، افراد آسیب پذیری هستند که تحت تاثیر بی توجهی های نواحی روستایی و شهری مجاور خود قرار دارند (Ibid:30-31). چنین وضعیتی، بررسی زیست پذیری روستاهای پیرامون شهری را از اهمیت و جایگاه ویژه ای در تحقیقات جغرافیایی برخوردار می سازد. جایی که هم برنامه ریزان شهری و هم متولیان و محققان برنامه ریزی توسعه روستایی باید از طریق تشریح مساعی در شناخت و تبیین مسائل مبتلا به این روستاها، دریچه ای به سوی توسعه متوازن و پایدار منطقه ای بگشایند.

شیراز به عنوان یکی از کلانشهرهای کشور دارای ناحیه پیرامون شهری گسترده ای است که با توجه به توسعه کالبدی روزافزون، ابعاد و شرایط زندگی در روستاهای پیرامونی آن را متأثر ساخته است. از جمله این مناطق، روستاهای واقع در بخش مرکزی شهرستان شیراز است که در کنار فاصله نسبتاً کم، به دلیل جریانات و روابط اداری، تاثیر پذیری بیشتری از شهر شیراز داشته است. از آنجا که این روستاها به دلایلی که مطرح شد در مقایسه با دیگر روستاها از لحاظ محیط زیستی آسیب پذیر و به لحاظ اقتصادی و اجتماعی حساس است، بررسی و تحلیل وضعیت زیست پذیری آنها ضروری است. از این رو تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوالات است: الف) زیست پذیری روستاهای پیراشهری واقع در بخش مرکزی شهرستان شیراز در چه سطحی قرار دارد؟؛ ب) از نظر زیست پذیری بر مبنای موقعیت طبیعی بین روستاها چه تفاوتی وجود دارد؟؛ ج) بین ویژگی های فردی و ادراک از زیست پذیری چه رابطه ای وجود دارد؟

ادبیات تحقیق:

مفهوم زیست پذیری در کنار پایداری به عنوان شعار و گفتمان برنامه ریزی عمومی پدید آمده (Hakimpour et al, 2019:104) و در معنای اصلی و کلی خود به مفهوم دستیابی به قابلیت زندگی است (Sasanpour et al, 2015, 30) ایده زیست پذیری، بسیاری مفاهیم را به یکدیگر پیوند می دهد. خصوصیات یک مکان خاص می تواند تحت تاثیر تعامل آن با دیگر مکان ها و فعالیت هایی که در آن ها انجام می شود، قرار بگیرد و رضایت ساکنان را از تأمین نیازهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی به دنبال داشته باشد، سلامت و بهزیستی آنها را بهبود بخشد و از منابع طبیعی و کارکردهای اکوسیستم محافظت کند (Khorasani & Rezvani, 2013, 58). زیست پذیری طیف وسیعی از نیازهای انسانی، از غذا و امنیت گرفته تا زیبایی و نمادهای فرهنگی و احساس تعلق به اجتماع یا مکان را شامل می شود (National

4: *Research Council, 2002*) همچنین این مفهوم، تحت تأثیر مکان فیزیکی، وضعیت امکانات عمومی و نیز تصمیمات عمومی و نظام برنامه‌ریزی قرار می‌گیرد و می‌تواند یک عامل مهم برای احیای جوامع روستایی و شهرهای کوچک باشد (Faiz et al 2012 5)

اصطلاح "زیست پذیری" شامل طیف وسیعی از نیازهای انسانی است که از نیازهای بقاء (آب پاک، هوا، غذا، پناهگاه و امنیت)، و گسترش به محیط ساخته شده و زیرساخت‌های که از پذیرش این نیازهای اساسی برخوردار است. این اصطلاح همچنین به خواسته‌های انسانی مانند زیبایی، نیازهای فرهنگی و احساس تعلق به یک جامعه اشاره می‌کند. ریشه‌های آن به جنبش شاخص‌های اجتماعی دهه ۱۹۶۰ مربوط می‌شود که بر مسائل "کیفیت زندگی" تمرکز می‌کند و فرضیه‌های اساسی را درباره رابطه بین رفاه اقتصادی و اجتماعی و ماهیت پیچیده ابعاد شخصی و اجتماعی رفاه مادی است. مفهوم زیست پذیری به عنوان وسیله‌ای برای آغاز گفتگو در داخل جوامع در سراسر کشور آمریکا در مورد چگونگی محافظت از جنبه‌های ارزشمند جامعه، چشم‌انداز و فرهنگ ظاهر شد. جوامع از این بحث‌ها برای متحد کردن شهروندان در حول ارزش‌های مشترک استفاده کرده‌اند (Soutworth, 2003). این نظریه در حوزه مباحث کیفیت زندگی به طور کلی توسط وینهوون توسعه پیدا کرده است، کسی که توسعه دهنده این دیدگاه است که "احساس عمومی" مردم منجر به زندگی بهتری برای آن‌ها می‌شود، زمانی که در اجتماعات بهتر و زیست پذیرتری زندگی کنند. وی معتقد است، این که دقیقاً چه اجتماعی زیست پذیرتر است کاملاً روشن نیست، اما قدر مسلم این است که مردم در اجتماعاتی که نیازهایشان بهتر برآورده گردد، شادتر و راضی‌تر هستند (Radcliff, 2001:940). وینهوون (۱۹۹۵)، زیست پذیری را چنین تعریف نموده است: "اصطلاح زیست پذیری اشاره به درجه تأمین ملزومات یک جامعه بر مبنای نیازها و ظرفیت‌های افراد آن جامعه دارد. یک جامعه غیر زیست پذیر به نیازهای افراد آن جامعه بی‌اعتنا است و احترام نمی‌گذارد." اما با وجود اجماع در خصوص اهمیت و اجتناب ناپذیری زیست پذیری، تنوع گسترده‌ای از تعاریف برای آن وجود دارد و بیشتر محققین آن را دشوار برای تعریف و اندازه‌گیری بیان کرده‌اند. چنانکه ساوتورث آن را مفهومی نسبتاً مبهم، لکن مورد تأیید همه می‌داند که به صورت‌های گوناگون تفسیر شده است (Soutworth, 2003). به طور کلی تعاریف زیست پذیری و اجتماع زیست پذیر شامل مجموعه متنوعی از موضوعات مختلف است که به وسیله یک سری اصول راهنما بیان می‌شوند: دسترسی، برابری و مشارکت که مفاهیم مربوط به زیست پذیری بر مبنای آن‌ها شکل گرفته می‌گیرند و به میزان دسترسی آن‌ها به زیرساخت‌ها (حمل و نقل، ارتباطات، آب و بهداشت) غذا، هوای پاک، مسکن مناسب، شغل راضی‌کننده و فضای سبز و پارک‌ها و میزان دسترسی ساکنان آن به مشارکت در فرایند تصمیم‌گیری در جهت تأمین نیازهایشان بستگی دارد (Timmer & Seymour, 2005: 10).

یک جامعه زیست پذیر جامعه‌ای است که ساکنان آن دسترسی آسان به فرصت‌ها و منابع را دارند. مسکن مقرون به صرفه، مدارس متنوع، فرصت‌های شغلی در نزدیکی، منابع اجتماعی، گزینه‌های غذایی سالم و مقرون به صرفه و سرگرمی، همگی باعث افزایش زیست پذیری یک جامعه می‌شود. سرمایه‌گذاری‌های وسیع حمل و نقل، اکثر افراد را به وسیله خودرو برای دسترسی به فرصت‌های مختلف از جمله مسکن، مدارس، شغل، امکانات پزشکی و مراکز خرید توانا ساخته است (Working Group II, 2007, 9). سکونتگاه‌های روستایی از جمله مکان‌هایی هستند که در جهت پیشگیری از مهاجرت‌های روستایی، خالی شدن روستاها، حفظ روستاها به‌عنوان لکه‌های حیات و نبض اقتصاد ملی و ... توجه به زیست پذیر بودن آن‌ها ضروری است (Sojasi & Sadeghloo, 2017). اهداف اساسی ابتکار عمل زیست پذیری در مناطق شهری، حومه‌ای و روستایی مشابه هستند. با این حال، به دلیل اینکه مقیاس و ابزار دستیابی به زیست پذیری در جوامع روستایی متفاوت است، لزوماً رویکرد شهری برای روستاها تناسب ندارد. از آنجایی که جوامع روستایی یکنواخت نیستند، رویکردهای موفق زیست پذیری بر اساس زمینه متفاوت است. برخی از متغیرهایی که جوامع روستایی را متمایز می‌کنند عبارتند از جغرافیا (مثلاً نزدیکی به شهر یا شهرهای کوچک دیگر)؛ وضعیت اقتصادی (به عنوان مثال، وابستگی به یک صنعت، کارفرما یا مقصد توریستی) و طراحی (به عنوان مثال، مرکز فشرده به عنوان نقطه مقابل توسعه پراکنده) (Smith, 2012, 18).

در کنار ابعاد "سه گانه طلایی" یکی از مهم‌ترین بحث‌ها در مطالعات علم جغرافیا با توجه به ماهیت آن توجه به نحوه تعامل و ارتباط انسان با محیط اطراف خود است (Barzegar et al, 2019, 141). نحوه درک ساکنان در یک روستا از محیط خود بر میزان ارتباط آنها با محیط و همچنین سطح رضایت مندی آنان اثر می‌گذارد (داداش پور و روشنی، ۱۳۹۱: ۵۰). در این راستا اغلب از سوی اندیشمندان، قلمرو فیزیکی و مادی به عنوان کاتالیزور شکل‌گیری زیست پذیری در نظر گرفته می‌شود (Lennard : 2005 : 5555, Moser , 2009 , Larice2013 Noordin :

اما روستاهای پیرامون شهری نیز به واسطه ویژگی های منحصر به فرد، تحلیل زیست پذیری مجزایی را می طلبد. انقلاب صنعتی سبب هجوم مهاجران و تازه واردان به نقاط شهری و پیشی گرفتن رشد سکنه نقاط شهری بر رشد امکانات و فرصت ها و در نتیجه منجر به انفجار شهری در جهان گردید و بخشی از این جمعیت نتوانستند استانداردهای لازم برای یک زندگی شهری را تأمین کنند. این گروه با هجوم به روستاهای پیرامون شهری، فضای پیرامونی شهرها را در روستاها دگرگون ساختند (Naghdi & Zare, ۲۰۱۲, ۶۶).

مفهوم پیرامون شهری نخستین بار در کشورهای انگلوساکسون و توسط جغرافیادانان امریکایی در دهه های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ میلادی مورد استفاده قرار گرفت. در این زمان این مفهوم به معنای عرصه ای به کار می رفت که در آن رشد و گسترش حومه شهری اتفاق می افتاد و کاربری های روستایی زمین به صورت بینابینی و مخلوط به انجام می رسید و بالاخره، پیرامون شهر جایی به شمار می آمد که عرصه در حال گذار بین شهر و روستا را تشکیل می داد (Saeedi, 2003, 77). ناحیه تقابل روستا و شهر توسط تاثیرات قوی شهر، دسترسی آسان به بازارها، خدمات و دیگر نهاده ها، نیروی کار آماده، اما کمبود نسبی زمین و نیز خطرات ناشی از آلودگی و رشد شهری است. از نظر فیلیپس، این ناحیه به دو قسمت قابل بخش است: الف) منطقه تاثیر مستقیم که در حال تجربه نمودن تاثیرات تقاضا برای زمین به واسطه رشد شهری، آلودگی و نظایر آن است؛ ب) منطقه تحت تاثیر بازار که به وسیله تولیدات بازارگرا در کشاورزی و منابع طبیعی مشخص می شود (Phillips et al, 1999). رویارویی شهر، روستا و طبیعت مشکلاتی را به وجود می آورد که بیانگر انواع نابرابری ها هستند و می توان آن ها را در دو زمینه بیان نمود:

- کمبودها و دسترسی های نامناسب شامل نبود و یا کمبود خدمات رفاهی و زیربنایی، رواج سوداگری زمین و فضای ساخته شده، شکل گیری فعالیت های غیررسمی/غیرقانونی در ارتباط با منابع طبیعی چون به کار گیری پسماندهای شهری جامد و مایع برای افزایش محصولات کشاورزی، گسترش استفاده غیررسمی/غیرقانونی از منبع طبیعی در تولید مواد ساختمانی، به کارگیری نیروی کار مهاجر قانونی/غیرقانونی در فعالیت های تولیدی، تغییر ساختار کاربرد زمین، کاهش و یا از بین رفتن فعالیت های تولیدی؛

- مشکل نارسایی سازمانی شامل یکپارچه نبودن ساختار سازمانی، تلاقی نهادهای همپوش دارای کارکرد بخشی، ناهماهنگی درون و بین سازمانی، وجود نهادهایی که به ندرت توان مدیریت یکپارچه و هماهنگ محیطی را دارند که با افزایش تضاد بین رفاه و منافع فردی/گروهی - چون مالکین و سوداگران- و جمع، بر شکل و میزان استفاده از فرصت ها و تملک منابع محیطی اثر می گذارد (Abdi, Daneshpoor, 2009, 8).

روستاهای پیرامون شهری با توجه به مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کلانشهرها خود به خود چند کارکرد عمده را بر عهده می گیرند که از جمله آنها می توان به کارکردهای خوابگاهی، گردشگری و گذران اوقات فراغت و خانه های دوم و کارکرد تولید محصولات غذایی(لبنیات و فراورده های دامی و سبزیجات) اشاره کرد. این روستاها به نواحی ادغام اقتصادی، اجتماعی با مراکز شهری معروف هستند و دارای ساختار اقتصادی متنوع و جمعیت در حال افزایش هستند (Firooznia et al, 2010, 90). در این رابطه پژوهش هایی در کشور انجام شده است که اهم آن ها به شرح زیر است: پژوهشی با عنوان «تبیین زیست پذیری روستاهای پیرامون شهری با رویکرد کیفیت زندگی مطالعه موردی شهرستان ورامین» به این نتیجه رسیده است که زیست پذیری در مجموع در این روستاها در شرایط متوسط است. همچنین ابعاد اقتصادی و اجتماعی زیست پذیری در سطح متوسط و بعد زیست محیطی در وضعیت نامطلوب است و همچنین بین روستاهای مورد مطالعه از نظر سطح زیست پذیری تفاوت معناداری مشاهده می شود که منشا این تفاوت ریشه در عوامل مکانی فضایی قرار دارد (Khorasani, 2012). پژوهشی به با عنوان تبیین زیست پذیری و کیفیت زندگی در روستاهای مرکزی شهرستان شهریار، ابعاد سه گانه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی را در این روستاها بررسی کردند. نتایج حاکی از آن بود که سطح کیفیت زندگی و زیست پذیری در روستاهای در سطح نازلی قرار دارند و افراد میزان کیفیت زندگی و زیست پذیری را در تمامی ابعاد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی، پایین ارزیابی می کنند (Jomehpoor & Tahmasbi Tehrani, 2013). در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه زیست پذیری سکونتگاه های روستایی با تاب آوری روستاییان در برابر مخاطرات طبیعی نواحی روستایی دهستان مراوه تپه و پالیزان، نتایج بررسی ها بیانگر این است که با افزایش زیست پذیر بودن سکونتگاه های روستایی میزان تاب آوری اجتماعات نیز ارتقا می یابد (Sadeghloo & Sojasi, 2017).

مواد و روش تحقیق:

روش تحقیق پژوهش توصیفی تحلیلی و داده ها به دو روش اسنادی و میدانی جمع آوری شده است. محدوده مطالعاتی پژوهش حاضر روستاهای واقع در بخش مرکزی شهرستان شیراز بوده که در شش دهستان (بیدزرد، داریان، دراک، سیاخدارنگون، قره باغ و کفترک)

این بخش استقرار دارند. بر اساس آخرین اطلاعات سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ تعداد آبادی‌های مسکونی این بخش ۱۳۸ آبادی گزارش شده که از این تعداد ۶۱/۵ درصد آنها جزء آبادیهای مسکونی دارای ۲۰ خانوار و بیشتر هستند. در این پژوهش بر اساس موقعیت طبیعی، تعداد جمعیت، پراکندگی فضایی و فاصله از شهر شیراز، تعداد ۱۳ روستای بالای ۲۰ خانوار بخش به عنوان روستای نمونه تحقیق انتخاب شده اند (شکل ۱). از مجموع جمعیت روستایی بخش مورد مطالعه تعداد ۳۸۵۸ خانوار در روستاهای نمونه واقع شده اند که بر اساس روش کوکران تعداد ۲۹۵ سرپرست خانوار نیز انتخاب شده اند (جدول ۱). با توجه به هدف مورد نظر و نیز دسترسی به داده های مورد نیاز با بررسی و تحلیل محتوای مطالعات مربوطه تعداد ۵۹ نماگر در قالب ۱۱ شاخص عمده انتخاب شده اند (جدول ۲).

برای بررسی روایی پرسشنامه خانوار که به عنوان ابزار اصلی این تحقیق برای سنجش زیست پذیری روستاهای پیرامون شهری مورد استفاده قرار گرفته است، از نظرات متخصصان دانشگاهی رشته‌های جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، توسعه روستایی بهره گرفته شده است. همچنین بررسی اعتماد یا پایایی پرسشنامه از طریق پیش آزمون آن در منطقه مورد مطالعه، انجام پذیرفت. بر این اساس از پرسشنامه ای که مورد تأیید متخصصان قرار گرفت، ۴۰ عدد پرسشنامه تهیه و در بین ساکنان ۶ روستا از روستاهای نمونه بر اساس اصل تسهیم متناسب و بر مبنای تعداد خانوار توزیع و پس از تکمیل، جمع آوری گردیدند. داده های حاصل از این پرسشنامه ها پس از وارد شده به نرم افزار SPSS و انجام فرایند تحلیل جهت تشخیص پایایی تحقیق مورد استفاده قرار گرفتند. در این تحقیق برای سنجش پایایی ابزار اندازه گیری یعنی پرسشنامه خانوار، از روش آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای کرونباخ به دست آمده (کل ۲۹۵ پرسشنامه) در این تحقیق برابر با ۰/۸۶۲ است. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها در راستای پاسخگویی به سوالات پژوهش از آزمونهای آماری T تک نمونه‌ای، تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA) و نیز از ضریب همبستگی پیرسون، اسپیرمن، فی کرامر و خی دو استفاده شده است.

جدول ۱- مشخصات جمعیتی روستاهای نمونه

روستا	موقعیت طبیعی	تعداد خانوار	روستا	موقعیت طبیعی	تعداد خانوار
بیدزرد	دشتی	۵۱۳	کدنج	دشتی	۶۰۷
ایزدخواست باصری	دشتی	۴۲۵	دارنجان	کوهستانی/دره ای یا تپه ای	۷۳
کوشک مولا	دشتی	۲۴۶	شکرآباد	دشتی	۶۹
بردج	کوهستانی/دره ای یا تپه ای	۹۷	برمشور سفلی	کوهستانی/دره ای یا تپه ای	۸۶
کودیان	دشتی	۲۸۸	سنجانک	دشتی	۱۹۹
قلات	جنگلی واقع در کوهستان یا تپه	۱۱۵۷	نجم آباد	کوهستانی/دره ای یا تپه ای	۶۱
چاه شیرین	کوهستانی/دره ای یا تپه ای	۲۷			

مآخذ: مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵ و یافته های پژوهش، ۱۳۹۷.

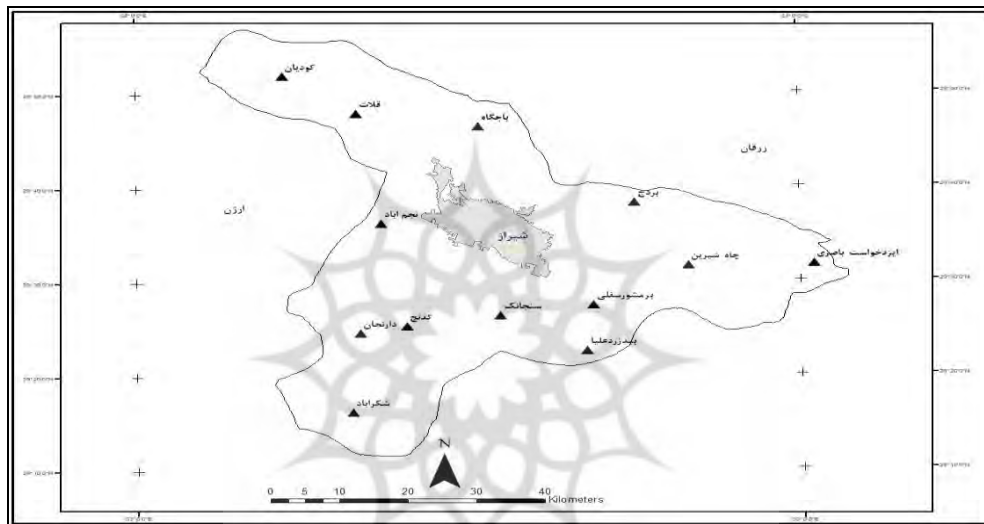
جدول ۲- شاخص ها و نماگرهای سنجش زیست پذیری در پژوهش

شاخص ها	نماگرها
چشم انداز	چشم انداز زیبایی طبیعی، چشم انداز مناسب ساختمان ها و معماری بناها ، چشم انداز مناسب معابر و خیابان ها، چشم انداز فضای سبز روستا.
آلودگی	جمع آوری آب های سطحی، جمع آوری زباله از سطح روستا، کیفیت جمع آوری و انتقال فاضلاب، آرامش و فقدان آلودگی صوتی، آلودگی ناشی از رفت و آمد وسایل نقلیه.
تفریحات و اوقات فراغت	کیفیت خدمات و تجهیزات سالن ورزش روستا یا محل مراجعه، کیفیت خدمات و وسعت کتابخانه روستا یا محل مراجعه، کیفیت خدمات اماکن فرهنگی و تاریخی روستا، وسعت مناسب فضای سبز، کیفیت فضای بازی کودکان محل مناسب پارک و فضای بازی کودکان.
اشتغال و درآمد	تعدد فرصت های شغلی در روستا، داشتن شغل مناسب، درآمد مناسب فرصت های شغلی موجود در روستا.
حمل و نقل	تعداد وسایل نقلیه عمومی، ساعات کار وسایل نقلیه عمومی، تعداد وسایل نقلیه حمل بار، دسترسی مناسب به وسایل حمل و نقل عمومی.
مسکن	مساحت مناسب و کافی مسکن، برخورداری از روشنایی کافی در مسکن، استحکام بنای مسکن، برخورداری از حمام مناسب و بهداشتی در مسکن، برخورداری از سیستم گرمایش و سرمایش مناسب در مسکن، برخورداری از سیستم دفع بهداشتی فاضلاب در مسکن، تعداد اتاق های کافی در مسکن.
بهداشتی - درمانی	دسترسی مناسب به خدمات بهداشتی درمانی، امکانات و فضای مناسب خدمات بهداشتی درمانی.

شاخص‌ها	نماگرها
آموزش	فضای آموزشی مناسب و کافی مدارس، کیفیت دسترسی دانش آموزان به مدارس شهر مجاور، تجهیزات آموزشی مناسب مدارس، کیفیت ساختمان های مدارس.
خدمات زیرساختی	راه دسترسی به شهر، راه های دسترسی به روستاهای اطراف، کیفیت معابر و میداين، کیفیت آب شرب روستا، کیفیت تامین نیازهای روزمره توسط فروشگاه (های) خواروبار روستا، کیفیت خدمات تعاونی روستایی یا تعاونی روستای محل مراجعه.
مشارکت و تعلق مکانی	ارتباط و تعامل مردم با اعضای شورای اسلامی و دهیار روستا، دلسوزی اهالی برای آبادانی روستا، خودیاری مردم در حین انجام پروژه های عمرانی در روستا، حضور و همفکری زنان روستا در امور روستا همانند مردان، روحیه کار گروهی در بین مردم روستا، قابل اعتماد بودن دهیار روستا، قابل اعتماد بودن اعضای شورای اسلامی روستا، استقبال دهیار و شورای اسلامی روستا از مشارکت مردم، تمایل به زندگی در روستا، دارای رابطه خوب با بستگان و همسایگان در روستا، امیدواری به بهبود شرایط زندگی در روستا، تمایل به اشتغال در روستا، تمایل به سرمایه گذاری در روستا، حس دلتنگی در صورت دوری از روستا.
امنیت اجتماعی	میزان جرایم، نزاع های قومی و طایفه ای، امنیت تردد زنان در طی شبانه روز، امنیت تردد پیاده در شب، امنیت تردد سواره در شب.

مأخذ: یافته های نگارندگان، ۱۳۹۷.

همچنین در نقشه شماره ۱، موقعیت روستاهای مورد مطالعه نشان داده شده است.



نقشه ۱- موقعیت روستاهای مورد مطالعه در شهرستان شیراز

یافته‌های تحقیق:

بررسی ویژگی های فردی پاسخگویان نشان می دهد که غالب آنها یعنی ۶۷/۵ درصد، مرد بوده اند و ۳۲/۵ درصد را نیز زنان تشکیل داده اند. لازم به ذکر است که تمامی زنان پاسخگو، سرپرست خانوار نبوده اند. بخشی از ایشان به دلیل عدم حضور همسر، از طرف وی به تکمیل پرسشنامه سرپرست خانوار اقدام نموده اند. از لحاظ وضعیت سنی متوسط سن پاسخگویان برابر ۴۳/۳ سال بوده که حداقل و حداکثر سن آنها به ترتیب ۲۸ سال و ۶۹ سال می باشد. بررسی وضعیت تحصیلات نیز نشان می دهد که غالب پاسخگویان یعنی ۳۴/۶ درصد دارای تحصیلات متوسطه بوده و همچنین از لحاظ وضعیت شغلی غالب افراد یعنی ۴۱ درصد در مشاغل خدماتی فعالیت داشته اند.

- تحلیل وضعیت زیست پذیری روستاهای نمونه بر اساس آزمون T تک نمونه‌ای انجام گردیده که نتایج به دست آمده (جدول ۳) بیانگر آنست که بر اساس شاخص های زیست پذیری مورد مطالعه در این تحقیق، سطح زیست پذیری در ۶ شاخص عمده شامل: بهداشتی درمانی، آلودگی، حمل و نقل، مسکن، خدمات زیرساختی، تعلق مکانی و مشارکت، امنیت اجتماعی و چشم انداز، بالاتر از حد متوسط است که البته با توجه به مقدار P Value محاسبه شده جز در سه شاخص نخست مذکور (حمل و نقل، درمانی و آلودگی) در سایر شاخص ها نتایج به دست آمده دال بر بالاتر بودن مقدار میانگین از حد متوسط، از لحاظ آماری معنادار است. همچنین در سه شاخص عمده تفریح و اوقات فراغت، اشتغال و آموزش، میانگین مشاهده شده پایین تر از حد متوسط بدست آمده که البته با توجه به مقدار p value بالاتر از ۰/۰۵ نتیجه تنها برای شاخص تفریح و اوقات فراغت از لحاظ آماری معنادار می باشد. در مجموع با توجه به مقدار میانگین کل شاخص های زیست

پذیری (برابر ۱۸۵/۲۶) در مقایسه با مقدار حد متوسط (برابر ۱۷۷) ملاحظه می‌گردد که زیست پذیری کل در روستاهای نمونه بالاتر از حد متوسط بوده که با عنایت به مقدار p value بدست آمده نتیجه از لحاظ آماری معنادار می‌باشد.

در بین شاخص‌های مورد مطالعه، شاخص مسکن بالاتر از حد متوسط قرار گرفته که علت این امر را می‌توان در توجه روزافزون به بخش مسکن روستایی و نیز نظارت نهاد دهیاری در سال‌های اخیر بر وضعیت ساخت و ساز در روستاها جستجو نمود. بر اساس نتایج مشخص گردید که شاخص امکانات و خدمات زیرساختی در روستاهای مورد مطالعه نیز بالاتر از حد متوسط قرار گرفته است. ناگفته پیداست که امروزه جمعیت به سمت فضاهایی جذب می‌شود که دارای امکانات و خدمات بیشتری هستند. مطمئناً برخورداری از امکانات و خدمات در زمره عواملی است که تاثیر بسیاری بر شکل‌گیری و تقویت زیست پذیری روستاها دارد. در این بین روستاهای مورد مطالعه به دلیل نزدیکی به شهر شیراز، تا حدودی به خدمات دسترسی مناسب تری دارند. شاخص بعدی امنیت اجتماعی بود. بحث امنیت یکی از دغدغه‌های اصلی در برنامه‌ریزی سکونتگاهی است. امروزه حتی فعالیت‌های اقتصادی نیز گرایش به مکان‌هایی دارند که علاوه بر تامین امنیت اقتصادی و سرمایه‌گذاری برای ایشان، تامین کننده امنیت نیروی انسانی متخصص و نیروی کار غیرماهری باشند که در این نگاه‌های اقتصادی مشغول به کار هستند. این خود نشان دهنده اهمیت مضاعف مقوله امنیت است. تحلیل‌ها در خصوص وضعیت این شاخص نشان داد که بالاتر از حد متوسط قرار دارد. یکی از مهم‌ترین عوامل موثر در شکل‌گیری این وضعیت در این روستاها وجود و دسترسی مناسب به پایگاه انتظامی در آنها است. از دیگر شاخص‌های زیست پذیری که بالاتر از حد متوسط قرار داشت، شاخص همبستگی و تعلق مکانی بود. تعلق مکانی موضوعی است که سالها ذهن برنامه‌ریزان روستایی را جهت ارتقای نظام برنامه‌ریزی سکونتگاهی از یک طرف و از طرف دیگر، ارتقای کیفیت زندگی ساکنان به خود مشغول داشته است که این وضع مطلوب در روستاهای مورد مطالعه از جمله قابلیت‌های موثر بر توسعه پایدار روستایی که باید بدان توجه شود. شاخص چشم انداز از دیگر شاخص‌های پژوهش بود که بالاتر از حد متوسط قرار داشت. در اهمیت چشم انداز در ارتقای زیست پذیری روستاها همین بس که سال‌هاست بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از طریق اجرای طرح‌هایی مانند طرح هادی روستایی، طرح ساماندهی کالبدی سکونتگاه‌های روستایی و طرح بهسازی روستاهای نمونه سعی در ساماندهی و بهبود کالبدی و در نهایت چشم انداز روستاها را داشته است. تاثیر روانی چشم انداز بر روی ساکنان و نیز تاثیر انکارناپذیری که بر پذیرش محیط توسط ایشان انکارناپذیر است.

جدول ۳- نتایج تحلیلی وضعیت زیست‌پذیری بر اساس آزمون T تک نمونه ای

شاخص عمده	آماره T	میانگین	سطح معناداری	حدمتوسط
اشتغال و درآمد	-۰/۷۸۴	۸/۸۷	۰/۴۳۳	۹
مسکن	۱۴/۸۳۱	۲۴/۹۳	۰/۰۰۱	۲۱
حمل و نقل	۱/۴۱۹	۱۲/۲۷	۰/۱۵۷	۱۲
خدمات زیرساختی	۳/۱۷۴	۱۸/۷۹	۰/۰۰۲	۱۸
آموزش	-۱/۲۳۰	۸/۷۷	۰/۲۲	۹
بهداشتی درمانی	۰/۴۹۴	۶/۰۷	۰/۶۳۲	۶
مشارکت و تعلق مکانی	۸/۸۸۹	۴۴/۶۶	۰/۰۰۱	۴۲
امنیت اجتماعی	۸/۸۰۵	۱۶/۵۴	۰/۰۰۱	۱۵
تفریح و اوقات فراغت	-۱۴/۲۶۶	۱۴/۴۴	۰/۰۰۱	۱۸
آلودگی	۱/۵۲۳	۱۵/۳۴	۰/۱۲۹	۱۵
چشم انداز	۲/۶۹۸	۱۲/۵۵	۰/۰۰۷	۱۲
کل	۵/۶۲۴	۱۸۵/۲۶	۰/۰۰۱	۱۷۷

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷.

- بررسی و مقایسه روستاهای نمونه از لحاظ کل شاخص‌های زیست‌پذیری بر اساس آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه با توجه به سطح معناداری بدست آمده کمتر از ۰/۰۵ است که ملاحظه می‌گردد که تفاوت معناداری بین روستاها وجود دارد (جدول ۴).

- در خصوص بررسی نقش موقعیت طبیعی روستاها در درک ساکنان محلی از شاخص‌های زیست‌پذیری، محاسبه مقدار میانگین شاخص کل زیست‌پذیری نشان از آن دارد که این مقدار در روستاهای با موقعیت طبیعی دشتی برابر ۱/۹۹، جنگلی واقع در کوهستانی واقع در جنگل برابر ۱/۶۷ و در روستاهای با موقعیت دره‌ای برابر ۱/۵۸ محاسبه گردیده است. در همین رابطه با استفاده از روش تحلیل واریانس یکطرفه (ANOVA) به تبیین وجود یا عدم تفاوت بین زیست‌پذیری روستاهای نمونه از لحاظ موقعیت طبیعی اقدام گردید. نتایج حاصله با

توجه به سطح معناداری محاسبه شده ($P Value < 0/05$) بیانگر آن است که تفاوت معناداری در خصوص درک ساکنان محلی از شاخص کل زیست پذیری در بین روستاهای نمونه تحقیق از لحاظ موقعیت طبیعی وجود دارد (جدول ۵). همچنین در خصوص تعیین اینکه تفاوت در بین کدام یک از موقعیت‌های طبیعی وجود دارد با توجه به تعداد ۳ گروه با استفاده از آزمون پست‌هاک (آزمون توکی) به تحلیل این نکته اقدام گردید. همانطور که نتایج جدول ۶ نشان می‌دهد، با توجه به مقدار سطح معناداری به دست آمده، در بین هر سه موقعیت طبیعی تفاوت معناداری از لحاظ زیست‌پذیری وجود دارد.

در رابطه با روستاهای کوهستانی که بر خلاف روستاهای دشتی و جنگلی از وضعیت مناسب زیست پذیری بهره مند نیستند، می‌توان چنین اظهار داشت که شرایط سخت اقلیمی-محیطی، دورافتادگی و دسترسی اغلب دشوار، مانع توسعه مناطق کوهستانی می‌شود. مردم مناطق کوهستانی اغلب با انزوای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و عدم دسترسی به خدمات اساسی مانند بهداشت و آموزش و پرورش مواجه اند. جوامع کوهستانی از مراکز تجارت و قدرت دور هستند، به طوری که تاثیر کمی بر سیاست‌ها و تصمیمات موثر بر زندگی شان دارند و صدای آنها اغلب شنیده نمی‌شود. چالش‌های جهانی فعلی مانند تغییرات اقلیمی، تحولات اقتصادی و رشد جمعیت، سختی‌هایی را که با آنها روبرو هستند، تشدید می‌کند. شهرنشینی و فرآیندهای مهاجرت تاثیر قابل توجهی بر محیط و جوامع کوهستانی دارد. ضعف اکوسیستم‌های کوهستانی باعث می‌شود تا اثرات توسعه ناپایدار سخت‌تر و پیچیده‌تر از سایر شرایط جغرافیایی باشد.

جدول ۴- نتایج آزمون تحلیل واریانس یکطرفه تفاوت زیست‌پذیری در روستاهای نمونه

نتایج	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	MS	F محاسبه شده	سطح معناداری
زیست-پذیری کل	بین گروهی	۱۰۷۲۹۸/۳	۸۹۴۱/۵۲۵	۳۱/۶۳۴	۰/۰۰۱
	میان گروهی	۷۹۷۰۸/۱۲	۲۸۲/۶۵۳		
	جمع	۱۸۷۰۰۶/۴۲			

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷.

جدول ۵- نتایج آزمون تحلیل واریانس یک طرفه بررسی تفاوت بین زیست پذیری روستاها بر اساس موقعیت طبیعی

نتایج	منبع تغییرات	مجموع مجذورات	MS	F محاسبه شده	سطح معناداری
زیست-پذیری کل	بین گروهی	۹۳۹۴۶/۸۸۱	۴۶۹۷۳/۴۴	۱۴۷/۳۹۲	۰/۰۰۱
	میان گروهی	۹۳۰۵۹/۵۳۹	۳۱۸/۶۹۷		
	جمع	۱۸۷۰۰۶/۴۲			

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷.

جدول ۶- نتایج آزمون توکی در تعیین محل تفاوت زیست پذیری بر اساس موقعیت طبیعی

متغیر مستقل	متغیر وابسته	اختلاف میانگین	سطح معناداری
دشتی	کوهستانی دره‌ای	۴۱/۳۱۲*	۰/۰۰۱
	جنگلی واقع در دشت	۳۱/۹۸۵*	۰/۰۰۱
کوهستانی دره‌ای	دشتی	-۴۱/۳۱۲*	۰/۰۰۱
	جنگلی واقع در دشت	-۹/۳۲۷*	۰/۰۱۵
جنگلی واقع در دشت	دشتی	-۳۱/۹۸۵*	۰/۰۰۱
	کوهستانی دره‌ای	۹/۳۲۷*	۰/۰۱۵

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷.

- به منظور تحلیل رابطه بین ویژگی‌های فردی با شاخص کل زیست‌پذیری، با توجه به مقیاس داده‌ها (اسمی، ترتیبی و فاصله‌ای) از ضرایب همبستگی پیرسون، اسپیرمن و نیز ضریب فی کرامر استفاده شده است. نتایج بررسی‌های انجام شده بیانگر آن است که بین سه متغیر جنس، سن و شغل رابطه مستقیم و معنادار آماری وجود دارد. همچنین بین متغیر تحصیلات با شاخص زیست‌پذیری رابطه معکوس و معنادار آماری وجود دارد. به عبارت دیگر با افزایش سطح تحصیلات پاسخگویان، میزان درک آنها از شاخص‌های زیست‌پذیری کاهش

یافته است. تحلیل قابل ارائه در خصوص این متغیر آن است که هر چه میزان تحصیلات افراد افزایش می‌یابد، انتظارات آنها از شرایط و وضعیت ابعاد مختلف زندگی و محل سکونت‌شان بیشتر می‌شود (جدول ۷).

جدول ۷- بررسی رابطه ویژگیهای فردی پاسخگویان با شاخص زیست‌پذیری

ضریب همبستگی	سطح معناداری	زیست‌پذیری ویژگی‌های فردی
۰/۶۸۷	۰/۰۰۱	جنس
۰/۱۸۷	۰/۰۰۱	سن
۰/۶۰۲	۰/۰۰۱	شغل
-۰/۱۴۷	۰/۰۱۱	تحصیلات

مأخذ: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۷.

نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادها:

زیست‌پذیری در نواحی روستایی از جمله مولفه‌های مهم و ضروری در نیل به توسعه پایدار روستایی است. در بین نواحی روستایی، روستاهای پیرامون شهرها و خصوصاً کلانشهرها به سبب موقعیت خاصی که دارند، شناخت و تحلیل زیست‌پذیری آنها قطعاً اهمیت بیشتری می‌یابد. بر همین اساس در این پژوهش به بررسی وضعیت زیست‌پذیری نواحی روستایی بخش مرکزی شهرستان شیراز (روستاهای پیرامونی واقع در بخش مرکزی شهرستان شیراز) اقدام گردید. نتایج پژوهش نشان داد که بر اساس شاخص‌های زیست‌پذیری مورد مطالعه در این پژوهش در مجموع زیست‌پذیری در نواحی روستایی مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط قرار گرفته که در ارتباط با شاخص‌های مشارکت و تعلق مکانی، امنیت اجتماعی، چشم‌انداز همسو با نتایج سنجاسی و همکاران (۲۰۱۹) و خراسانی (۲۰۱۲) و ماجدی و لهسایی زاده (۲۰۰۶) و در تضاد با نتایج اسماعیل‌پور و همکاران (۲۰۱۷)، جمعه‌پور و طهماسبی‌تهرانی (۲۰۱۳) می‌باشد. نتایج تحقیق این پژوهش در زمینه مسکن در راستای پژوهش زبردست (۲۰۰۹) با عنوان " حوزه مسکن در کیفیت زندگی و رضایت از زندگی در سکونتگاه‌های خود روی حاشیه کلانشهر تهران" است که نشان داد که رابطه مستقیمی بین دلایل اصلی مهاجرت به این سکونتگاه‌ها و زیرحوزه‌های مرتبط با مسکن در کیفیت زندگی برقرار است. در زمینه اشتغال و تفریحات و اوقات فراغت، یافته‌های این پژوهش در راستای نتایج خراسانی (۲۰۱۲)، چوی و همکاران (۲۰۰۹) قرار دارد. این وضع را می‌توان در قالب این بحث تفسیر نمود که روستاهای پیرامون شهرها خصوصاً کلانشهرها به سبب برخورداری از موقعیت خاص جغرافیایی، امکان برخورداری از مجموعه‌ای از مزایا در ابعاد مختلف را دارند. در ارتباط با امکانات و خدمات زیرساختی در روستاهای مورد مطالعه نتایج خراسانی که نشان داد بین میزان برخورداری خدماتی و سطح زیست‌پذیری روستاها ارتباط معناداری برقرار نیست، در تضاد با یافته‌های این پژوهش قرار دارد. در همین رابطه و به تفکیک شاخص‌های عمده نتایج نشان داد که وضعیت و نیز سطح زیست‌پذیری در شاخص‌های عمده متفاوت است. از دیگر نتایج پژوهش وجود تفاوت معنادار در وضعیت زیست‌پذیری روستاها بر اساس موقعیت طبیعی آنها بود و مشخص گردید روستاهای دشتی در مقایسه با دیگر روستاها از وضعیت زیست‌پذیری مناسب‌تری برخوردارند که دلیل این امر را می‌توان در ماهیت و شرایط مناسب‌تر سکونت، دسترسی به امکانات و خدمات، تنوع مشاغل و به تبع درآمد بیشتر در این گروه از روستاها جستجو نمود. همچنین نتایج نشان داد بین ویژگی‌های فردی پاسخگویان با درک آنها از وضعیت زیست‌پذیری رابطه معنادار آماری وجود دارد.

نتایج پژوهش در خصوص شاخص‌ها نشان از آن داشت که شاخص درمانی هر چند تا حدودی بالاتر از سطح متوسط قرار دارد اما این وضع معنادار نبود، باید توجه داشت که مشکلات بهداشتی درمانی موجود در روستاها به واسطه فعالیت‌های دامداری و دامپروری از یک سو و از سوی دیگر استقرار تعداد زیادی از فعالیت‌های کارگاهی در این روستاها به واسطه نزدیکی به شهر شیراز موجب می‌شود که بهداشت و درمان در این روستاها در معرض خطرات بالقوه قرار داشته باشند. از این رو در این روستاها وظیفه خانه‌ها و مراکز بهداشت به مراتب سنگین‌تر از روستاهای دارای فاصله از شهر و کلانشهرها است. بر اساس نظریه‌ها و تئوریهای منطقه‌ای مانند قطب رشد انتظار می‌رود که روستاهایی که در نزدیکی قطب‌های رشد و کلانشهری قرار دارند، در مقایسه با سایر روستاها دسترسی آسان‌تر و مناسب‌تری به خدمات، بازار کار و نیز درآمد داشته باشند، اما در ارتباط با روستاهای مورد مطالعه در این پژوهش این موضوع صدق نداشته است، به طوری که سطح شاخص‌های درآمد اشتغال و آموزش پایین‌تر از حد متوسط بوده است. لذا می‌بایست با تدوین و اجرای برنامه‌های راهبردی در ارتقاء این شاخص‌ها تلاش نمود. در خصوص شاخص تفریح و اوقات فراغت که از دیگر شاخص‌هایی بود که سطح آن پایین‌تر از حد متوسط قرار

داشت، باید اذعان نمود تفریحات و اوقات فراغت یکی از جنبه های برنامه ریزی است که طی سال های اخیر در بیشتر طرح ها و برنامه هایی که در روستاهای کشور اجرا شده مغفول مانده است. بسیاری از جوانان ساکن در این روستاها بیکار هستند و یا این که دارای مشاغل موقتی هستند که امکان داشتن زمان های فراغت زیادی را به آنها می دهد. در همین رابطه بر اساس دیدگاه پاسخگویان، امکانات تفریحی و فراغتی مطلوبی در این روستاها وجود ندارد و یا در صورت وجود به دلیل کمیت و کیفیت پاسخگوی نیاز ساکنان نمی باشد. این موضوع را می توان یکی از عوامل بسیار مهم و موثر و نیز بستر ساز گرایش به انواع ناهنجاری های اجتماعی در روستاها عنوان نمود. لذا باید در راستای توسعه کمی و کیفی امکانات و خدمات مربوط به تفریح و گذران اوقات فراغت در روستاهای مورد مطالعه گام های اساسی برداشته شود.

References:

1. Abdi Daneshpour, Z (2008) *Analysis of Spatial Inequality in Piraeus-Urban Environments (An Attempt to Use Strategic Planning and Management Approach in Tehran)*, Fine Arts, No. 28, pp. 14-5.
2. Barzegar, S and Heidari, T and Anbarloo, A (1998) *Analysis of Informal Settlements with a Biodiversity Approach (Case Study: Informal Neighborhoods of Zanjan)*, Regional Planning Quarterly, Vol. 9, No. 33, pp. 152-137.
3. Bandar Abad, A & Ahmadinejad, F (2014) *Evaluation of Quality of Life Indicators with Emphasis on the Principles of Sustainable City in Tehran District 22*, Journal of Urban Research and Planning, Fifth Year No. 16, Spring 2014, pp. 55-74.
4. Bandarabad, A (2010) *Developing the Principles of Spatial Development Pattern and Shape of Iranian Sustainable City Case Study: Regions 1, 15, 22 of Tehran*, Doctoral dissertation on urban planning under the supervision of Dr. Hamid Majedi, Islamic Azad University of Science and Research.
5. Choy, D, L. Sutherland, C. Glesson, B. Dodson, Jago. Spice, N (2007) *CHANGE AND CONTINUITY IN PERI-URBAN AUSTRALIA: Peri-Urban Case Study: Soth East Queensland*, Monograph 3 Urban Research Program, Griffith University.
6. Esmaeilpour, A Monazam, S, Hadith, R, Chehrizi, E (1397), *Prioritizing Rural Areas Based on Rural Livelihood Indicators Case Study of Zagheh District*, Journal of Planning Studies of Human Settlements, Vol 13, No 4 , pp 988-971.
7. Faiz, A., Faiz, A., Wang, W., & Bennett, C. (2012). *Sustainable rural roads for livelihoods and livability*. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 53, 1-8.
8. Firouznia, G & Eftekhari, A and Badri, S (2010) *Perspective and Management System for Physical Development Program of Rural Areas of Iran*, Housing Foundation of Islamic Revolution.
9. Jafari Asadabadi, H (2013), *Surveying the Sustainability of Cities for Sustainable Urban Development (Case Study: Tehran Metropolis)*, Thesis under the supervision of Dr. Farzaneh Sasanpour, School of Geography, Kharazmi University, Tehran.
00. Jomehpour, M, Tahmasebi Tehrani, S (2013) *Explaining the Livelihoods and Quality of Life in Suburban Villages Case Study of Central District of Shahriar County*, Physical Planning Quarterly Journal, No 1, Vol 3, pp. 60-49.
11. Khorasani, M (2012) *Explaining livability with Quality of Life Approach; Case Study: Varamin County*, Ph.D. Dissertation in Geography and Rural Planning, under the supervision of Dr. Mohammad Reza Razvani, Faculty of Geography, University of Tehran.
22. Khorasani, M, Razvani, M (2013) *Recognizing and Analyzing the Differences of the Sustainability of Suburban Villages in Varamin County*, Journal of Space Economy and Rural Development, Vol 2, No. 2, pp74-55.
33. Larice, M. A. (2005). *Great Neighborhoods: The Livability and Morphology of High Density Neighborhoods in Urban North America*. University of California, Berkeley.
44. Lennard (1995): *liveable communities ties observed Carmel: Gondolier press*, Vehicular Communications27.
55. Majedi S and Lalsaeizadeh, A (2006) *Investigating the Relationship between Contextual Variables, Social Capital and Satisfaction with Quality of Life: A Case Study in Fars Province Villages*, Journal of Rural and Development, Vol 9, No 4, pp. 135-91.

66. Majedi, H & Bandar Abad, A (2014) *Evaluation of Global and Indigenous Criteria for the Biodiversity, Identity of the City, Issue 17, Eighth Year, Spring 2014.*
77. Mc Gregor, D & Simon, D. & Thompson, D (2005) *The Peri-urban Interface; Approaches to Sustainable Natural and Human Resource Use, EARTHSCAN.*
88. Moser, Gabriel (2009): *Quality of life and sustainability: Toward person-environment congruity. Journal of Environmental Psychology, 29, PP.351-32228.*
99. Naqdi, A & Zare, S (2012) *Marginalization as Urban Appendicitis (Case Study: Jafarabad, Kermanshah), Regional Planning Quarterly, Vol 2, No 5, pp. 65-81.*
00. National Research Council (2002) *Community and quality of life; data needs for informed decision making, National Academy Press, Washington.*
11. Noordin, MD. NAZRI MOHD (2013): *Planning for Liveable Cities, Organized by JPBW Sabah, Heliyon Partner Journal*
22. Phillips, D. Williams, K. Andrews, G. Clarke, J. Carter, M. Kinsman, P. Smith, D. Willis, K. Bradbury, I. Wu, K. and Hillyer, A (1999) *Literature Review on Peri-Urban Natural Resource Conceptualization and Management Approaches, Final Technical Report, DFID Natural Resources Systems Program (NSRP), University of Nottingham and University of Liverpool.*
33. Portland State University, "Ecolopolis 4.0: Livability in Cascadia" (2009). *Regional Planning and Metropolitan Growth Management Research Projects. 4.*
44. Radcliff, Benjamin (2001) *Politics, markets and life satisfaction: The Political economy of human happiness, American Political Science Review, Vol 95, No 4, pp 939-955.*
55. Sadeghlou, T and Sajasi Gheidari, H (2017) *Investigating the Relationship between Rural Settlements on Resilience of Villagers to Natural Risks of Rural Areas of Maraveh Tapeh and Palizan, Crisis Management Journal, No. 6, pp. 44-37.*
66. Saeedi, A (2003) *City-Village Relations and Rural-Urban Links: A Perceptual Review, Journal of Geography, Autumn and Winter Issues, pp. 92-73.*
77. Sajasi, H, Sadeghlou, T, Mahmoudi, H (2019), *Ranking Villages Based on the Viability Indicators Case Study of Nizam Abad District, Azadshahr County, Journal of Human Geography Research, Vol 51, No 1, pp 144-129.*
88. Sasanpour, F. Tolai, S, Jafariasad Abadi, H (2015), *Measurement and Evaluation of Urban Viability in 22 Areas of Tehran Metropolis, Regional Planning Quarterly, Vol 5, No. 18, pp42-77.*
99. Smith, C. S. (2012). *Rural public transportation strategies for responding to the livable and sustainable communities' initiative. National Cooperative Highway Research Program.*
00. Southworth, M. (2003) 'Merrrr itt t hl lllll c city' u uilt iii iiiiii i. 29, No. 4, pp. 343-...
11. Timmer Vanessa and Nola-Kate Seymoar(2005) *THE WORLD URBAN FORUM 2006 Vancouver Working Group Discussion Paper, International Centre for Sustainable Cities.*
22. Wheeler, S.M. (2001). *Livable communities: Creating safe and livable neighborhoods, towns and regions in California (Working Paper 2001-2444). kkkkelyy: Isstitute ff Unnnn nnn Regional Development, University of California. http://www-iurd.ced.berkeley.edu/pub/WP-1111-44DD(cccsseed 8 Jll y 0066..*
33. Working Group II (2007) *Fourth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change, Cambridge University Press.*



پروژه‌های پژوهشی و مطالعات فرسنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Assessment of Livability in Peri Urban Villages Case Study: the Central District of Shiraz County

Mohammad amin Khorasani¹: Assistant Professor of Geography and Rural Planning, University of Tehran, Tehran, Iran

Saeed reza Akbarian Ronizi: Associate Professor of Geography and Rural Planning, Shiraz University, Shiraz, Iran

Received: 2019/2/29 pp: 145- 146 Accepted: 2019/12/1

Abstract

Investigating the livability of peri urban rural areas has special importance and place in geographical research. Both urban planners and rural development planning scholars and researchers should open the door to balance and sustainable regional development through efforts to identify and explain these rural issues. The purpose of this study is investigate and analyze the livability status of peri urban Shiraz villages. The research method is descriptive-analytical and the data were collected by both documentary and field methods. The study area of the study is 13 villages located in the central part of Shiraz. From total rural population living in villages, 295 heads of households were selected as statistical sample. Given the varied geographical location of the study area, the natural position of the villages was also taken into account. The results show that the livelihood status of the villages with the mean value is 185.266 above the average (177). The results also showed that the level of livability was different in major indices. Other results showed that there was a significant difference in the livelihood status of the villages based on their natural position and it found that plain villages had a better livability status compared to other villages.

Keywords: livability, peri urban villages, central district of Shiraz county.

Extended abstract:

Introduction:

Because Awareness from the dangers such as rapid population growth, congestion, loss of agricultural land and open spaces, lack of adequate housing, increased social inequality and loss of sense of belonging, place identity and social life that threats quality of life of communities, the concept of livability has come and gone (Wheeler, 2001). therefore, it supported both locally and by planners to create more sustainable, functional, and enjoyable living spaces. livable neighborhoods have a greater sense of belonging to the community and place, and a lower rate of migration. Therefore, planners at all levels are increasingly interested in livability as a strategy of neighborhood revitalization, redevelopment, affordable housing, environmental protection, improved security and reduced crime rates (Larice, 2005: 91-22). The term livability was first coined in 1770 by the US National Bureau of the Arts to achieve urban planning ideas, and was later used by other research centers and organizations to address the problems of human societies and communities. The decline in the quality of life of the inhabitants of different places has very strong (Ibid, 33).

Shiraz, as one of the major metropolitan areas of the country, has a large urban area which, due to its increasing physical development, has affected the dimensions and living conditions of its surrounding villages. Among these areas are villages located in the central district of Shiraz which, along with the relatively short distance, more influenced by Shiraz due to administrative processes and relations. Since these villages are environmentally vulnerable and economically and socially sensitive in

¹ - Corrrppndng Author's Eaa ll: khorasani_ma@ut.ac.ir, Tel: +989124117208

comparison with other villages, it is necessary to study and analyze their livability status. Therefore, the present study seeks to answer the following questions: a) Which level is the livelihood peri urban villages located in the central part of Shiraz county? C) What is the relationship between individual characteristics and perceptions of livability?

Methodology:

The research method is descriptive-analytical and the data collected by both documentary and field methods. The study area of the present study is the villages located in the central district of Shiraz which are six villages. the number of residential areas in this section is 138, of which 61.5% are residential and have 20 households and more. In this study, based on natural location, population size, spatial distribution and distance from Shiraz, 13 villages over 20 households were selected as sample villages. From the total rural population of the study area, 3858 households are located in sample villages and 295 household heads selected based on Cochran method. With regard to the intended purpose and access to the required data, by analyzing the content of the relevant studies, 59 indicators were selected in form of 11 major indicators.

Results and Discussion:

Analysis of the livability status of the sample villages carried out based on a single sample T-test and the results indicate that livability level in six major indices including: Health, pollution, transportation, housing, infrastructure services, placement and participation, social security and prospects are above average. In other indices, the results indicate that the average value is higher than the average, statistically significant. Also in the three major indices of leisure, employment and education, the observed average is lower than the average, but the result is only statistically significant for the leisure index. Overall, considering the average value of total livability indices compared to the average value, it is observed that the total livability in the sample villages was above average which The p value obtained was statistically significant.

In assessing the role of rural natural position in local residents' perception of livability, the calculation of the average value of total livability indicates that this value is 1.99 in lowland rural area, In the forest it is calculated to be 1.67 and in villages with valley position equal to 1.58. one-way analysis of variance (ANOVA) used to explain the presence or absence of livability of the sample villages in terms of natural location. Results with respect to the calculated significance level indicate that there is a significant difference in local residents' perception of total livability among the sample villages of the study in terms of natural location. Also, to determine which of the natural situations there is a difference between the three groups, post hoc test used to analyze this point. As the results, with respect to the level of significance obtained, there is a significant difference in livability between all three natural situations.

Also the results showed that there is a direct and significant statistical relationship between the three variables of gender, age and job. There was also a significant inverse relationship between education variables and livability index. In other words, as the level of education of the respondents increased, their perception of livability decreased. The present analysis of this variable is that as people's education increases, their expectations of the conditions and dimensions increase.

Conclusion:

The results showed that overall livability in the studied rural areas was above average which in relation to the indicators of participation and location, social security, is in agreement with the results of Sajasi et al. (2019) and Khorasani (2012) and Majedi and Lalsaeizadeh (2003) and contrasts with the results of Esmailpour et al. (2018), Jomehpour and Tahmasebi Tehrani (2013). The results of this research in housing indicator are in line with the research (2009) entitled "Housing in Quality of Life and Satisfaction of Life in its Settlements on the outskirts of Tehran Metropolitan Area" which showed a direct relationship between the main reasons for migration to these settlements. In employment, leisure and recreation, the findings of this study are in line with the results of Khorasani (2012), Choi et al. (2009). Regarding the facilities and services in the studied villages, Khorasani (2012) showed that there is no significant relationship between the level of service provision and the livability of the villages, which is in contradiction with the findings of this study.